

بررسی اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر نظریه کوزنتس

mehregannader@yahoo.com |

نادر مهرگان

دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان

صابر زمانی شبخانه

zamanisaber@gmail.com

| کارشناس ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه بوعلی

سینا همدان (نویسنده مسئول مکاتبات)

پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۳

دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۰

چکیده: بر اساس مبانی نظری موجود و مطالعات انجام شده، عوامل بسیاری از جمله نرخ تورم، درآمد مالیاتی دولت، رشد شهرنشینی، رشد اقتصادی و سایر متغیرها بر توزیع درآمد اثر دارند. به دلیل افزایش نرخ شهرنشینی در دهه‌های اخیر و همچنین به لحاظ اهمیت اجتماعی و اقتصادی مسئله توزیع درآمد، بررسی اثر رشد شهرنشینی بر توزیع درآمد در کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو هدف از انجام این مطالعه، بررسی اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد است. برای این منظور با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۳۵۱ الی ۱۳۸۹ و به کارگیری روش اقتصادسنجی علاوه بر مورد آزمون قرار دادن نظریه U وارونه کوزنتس در ارتباط با توزیع درآمد، به بررسی اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد در کشور پرداخته شد. نتایج نشان داد که اثر رشد شهرنشینی بر توزیع درآمد به شکل یک رابطه غیرخطی بوده و به روند صنعتی شدن جامعه و تبعات ناشی از رشد شهرنشینی بستگی دارد. این مطالعه نشان داد رشد شهرنشینی ابتدا باعث کاهش نابرابری اقتصادی و پس از یک حد معین، نابرابری اقتصادی را افزایش می‌دهد. همچنین مطالعه حاضر نظریه کوزنتس مبنی بر شکل U وارونه ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را مورد تأیید قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: توزیع درآمد، رشد اقتصادی، شهرنشینی، عدالت اقتصادی، نظریه کوزنتس.

طبقه‌بندی JEL: R23, D63, O11

مقدمه

یکی از مهمترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی در کشور، توزیع مناسب و عادلانه درآمد در بین اقشار مختلف مردم است. مشکل عدم توزیع مناسب درآمد غالباً از دید مسایل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد و همین امر موجب شده است تا راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای رفع این مشکل توصیه شود؛ درحالی‌که پدیده نابرابری درآمد به خاطر مقاومت نیروهای درونی، پایداری از خود نشان داده و اجرای سیاست‌های کوتاه‌مدت و بدون شناخت عوامل تأثیرگذار، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی به دنبال دارد؛ برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد باید عوامل موثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، در راستای بهبود توزیع درآمد اقدام نمود (دهمرده و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین ایجاد توزیع درآمد متعادل، یکی از اهداف مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی است (حسینی و نجفی، ۱۳۸۸). برای اندازه‌گیری میزان نابرابری درآمدی از شاخص‌های گوناگونی استفاده می‌شود که از جمله آنها می‌توان به ضریب جینی، ضریب اتکینسون و شاخص تایل اشاره نمود. ضریب جینی به‌عنوان پرکاربردترین شاخص برای سنجش میزان نابرابری درآمدی در مطالعات اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. و این شاخص بیشتر از هر شاخص دیگری در معرض پذیرش و رد قرار گرفته و ویژگی‌های مثبت و منفی آن مورد بررسی واقع شده است (Chmpernown, 1974).

شکل‌گیری و توسعه شهرهای کوچک و بزرگ در سیستم‌های شهری کشورهای صنعتی عمدتاً هماهنگ با مراحل رشد و توسعه صنعت بوده و از یک الگوی متعادل و منسجم پیروی می‌کند، اما در کشورهای در حال توسعه رشد شتابان شهرنشینی و عدم انطباق آن با مراحل توسعه صنعتی این کشورها مشکلات بسیاری را در نظام شهری این کشورها به‌وجود آورده است. رشدسالاری که تفکر حاکم بر غالب کشورهای در حال توسعه و نیز مورد توصیه نهادهای بین‌المللی بود، به بخش‌گرایی منجر شد و چون تصور می‌شد که صنعت، توانایی بیشتری برای نیل به این هدف را دارد، در این میان کشاورزی و در نتیجه روستاها مورد غفلت قرار گرفتند (سلیمی فر، ۱۳۷۸). در ایران نیز به تبع این تفکر، به بخش صنعت - به خصوص صنعت نفت - بیش از سایر بخش‌ها توجه شد. در این میان غفلت از توسعه بخش کشاورزی و توجه به بخش صنعت و همچنین توسعه روابط سرمایه‌داری در بطن یک اقتصاد تک محصولی متکی بر صادرات نفت، سبب در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی از یک‌سو و رشد سریع شهرها از سوی دیگر شد. حاصل این دو، روندهای مهاجرتی از روستاها به شهرها بود که در نهایت به تمرکزگرایی شهری منجر شد (حسامیان، ۱۳۷۵). از سوی دیگر مسایل اجتماعی و

صنعتی شدن کشورها اهمیت زیادی در تعیین تعداد و اندازه شهرها داشته است. رشد بی‌رویه شهرها در کشورهای کمتر توسعه یافته، محصول سه عامل اساسی، نرخ بالای زاد و ولد شهری، مهاجرت شتابان و تبدیل مناطق روستایی به شهر است. این هجوم گسترده به شهرها، باعث پیدایش بخش خدمات متورم، بیکاری پنهان، معضل مسکن، مسایل زیست‌محیطی، گسترش بادکنکی سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مناطق حاشیه‌نشین، مسئله سازگاری و دوگانگی شبکه‌های اجتماعی مهاجرین در شهرها شده است (صادقی، ۱۳۸۸). در این فرآیند، مهاجرت از نوع بی‌رویه و شتابان نقش محوری دارد. انتقال جمعیت به خصوص استقرار آن در کلان شهرها و مادرشهرها خسارات فراوانی را به بدنه جامعه شهری وارد نموده است که از آن جمله می‌توان به پیدایش و گسترش محلات حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی اشاره کرد (محسنی، ۱۳۸۹). حاشیه‌نشینی که خود تا حد زیادی ریشه در مهاجرت دارد، موجب فقر اقتصادی، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی‌سوادی و هویت قومی - فرهنگی می‌شود که عوارض آن در قالب برخی از پیامدهای حاد مسایل شهری تجلی یافته است (Dwyer, 1978).

با توجه به اهمیت توزیع درآمد و نقشی که رشد شهرنشینی در این مقوله می‌تواند داشته باشد؛ سؤالی که مطرح می‌شود این است که «آیا رشد شهرنشینی بر توزیع درآمد تأثیر دارد؟» هدف از این پژوهش پاسخ به سؤال مطرح شده است. در این مطالعه دو فرضیه مطرح است: الف) فرضیه کوزنتس مینی بر شکل U وارونه، ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را تأیید می‌کند؛ ب) افزایش نرخ شهرنشینی باعث افزایش نابرابری درآمد می‌شود. از این رو مطالعه حاضر با استفاده از روش اقتصادسنجی برای داده‌های سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۵۱ کشور انجام شد. در این مطالعه سه مدل تخمین زده شد. در مدل اول فرضیه کوزنتس مورد بررسی واقع شد و در مدل دوم فرضیه ارتباط غیرخطی بین توزیع درآمد و نرخ شهرنشینی مورد بررسی قرار گرفت. در مدل سوم که حالت کلی‌تری دارد، متغیر وابسته ضریب جینی و متغیرهای مستقل شامل نرخ تورم بر اساس شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی شهری، تولید ناخالص داخلی، مربع تولید ناخالص داخلی، نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت، مربع نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت و نرخ باسوادی است. با استفاده از اطلاعات موجود برای متغیرهای ذکر شده این مطالعه برای بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۵۱ برای کشور ایران صورت پذیرفت.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های کلاسیک، بیانگر این است که منفعت شخصی انگیزه لازم را برای انباشت سرمایه فراهم می‌کند و این مسئله سبب رشد اقتصادی می‌شود. این تفکر برای سال‌های طولانی در عرصه اقتصادی مسلط بوده و به‌عنوان واقعیتی مسلم در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شد (Saintpaul & Verdier, 1996). به همین دلیل بر اجرای سیاست‌های رشد اقتصادی تأکید می‌شد. همچنین تصور می‌شد که بخش صنعت توانایی بیشتری برای نیل به این هدف دارد که این مسئله منجر به رشد سریع بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها شد. یکی از عوامل و الزامات رشد بخش صنعت، وجود نیروی کار فراوان بود، به خصوص زمانی که این صنایع، صناعی کاربر باشند. تحت این شرایط مهاجرت از روستا به شهر می‌تواند عامل مهمی در رشد اقتصادی باشد. رشد اقتصادی بر بسیاری از متغیرهای اقتصادی از جمله توزیع درآمد اثرگذار است و هیرشمن بر این باور بود که رشد اقتصادی، توزیع مساوی‌تر درآمد را به دنبال خواهد داشت (ارسلانید، ۱۳۸۳).

اما کوزنتس در سال ۱۹۵۵ در یکی از مقاله‌های خود با عنوان «رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی»، این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد ابتدا افزایش پیدا کرده و پس از ثابت ماندن در یک سطح معین به تدریج کاهش می‌یابد. این الگو به نام منحنی U وارون کوزنتس^۱ معروف است که به لحاظ نموداری، نظریه کوزنتس بیانگر رابطه‌ای به شکل U معکوس بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد است (گیلیس و رومر^۲، ۱۳۷۹). کوزنتس با یک مثال عددی ساده نشان داد که فرآیند تغییرات در نابرابری، در نتیجه انتقال جمعیت از بخش کشاورزی به بخش غیرکشاورزی است (Takahiro & Sachiko, 2007). او همچنین نشان داد که توزیع درآمد شخصی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نسبت به کشورهای توسعه یافته نابرابرتر است (Atkinson, 1970). کوزنتس، توسعه اقتصادی را به‌عنوان فرآیند گذار از اقتصاد سنتی (یا روستایی) به اقتصاد نوین (یا شهری) نگاه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد رو به وخامت می‌گذارد، زیرا تعداد کمی از مردم این توانایی را دارند که به بخش نوین یا مدرن منتقل شوند و بدین روی، اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نوین زیاد می‌شود. در مراحل بعدی توسعه، توزیع درآمد رو به بهبود می‌گذارد، زیرا شمار بیشتری از مردم، جذب بخش نوین می‌شوند و به تدریج، به‌دلیل کمیابی نیروی کار در بخش سنتی، سطح دستمزد در بخش سنتی هم افزایش می‌یابد و به سطح دستمزد بخش نوین نزدیک می‌شود (مهرگان و همکاران، ۱۳۸۷).

1. Kuznets's "U-Inverted" Curve
2. Gilis & Romer

نظریه کوزنتس را می‌توان در رابطه شماره (۱) به بیان ریاضی نشان داد:

$$\text{GINI} = \alpha + \beta_1 \text{GDP} + \beta_2 \text{GDP}^r + \varepsilon t \quad (1)$$

در رابطه بالا GINI معیار توزیع درآمد، GDP تولید ناخالص داخلی و ε نشان‌دهنده جزء اخلاص است. چنانچه β_1 عددی مثبت و β_2 عددی منفی باشد، نظریه کوزنتس را می‌توان پذیرفت که نشان‌دهنده این مطلب است که با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، نابرابری درآمد ابتدا افزایش پیدا کرده و پس از ثابت ماندن در یک سطح معین به تدریج کاهش می‌یابد.

در ارتباط با اثر مهاجرت شهری-روستایی و شهرنشینی بر توزیع درآمد که مهمترین متغیر مورد مطالعه در این تحقیق است، مطالعات بسیاری انجام و نظرهای مهمی مطرح شد. نخستین نظریه رسمی درباره علل مهاجرت، توسط اقتصاددان انگلیسی به نام راون‌اشتاين^۱ در سال ۱۸۵۵ ارائه شد. وی مشاهده‌های خود را تحت عنوان قوانین مهاجرت به گونه‌ای مطرح نمود که در آن مؤلفه‌های فاصله، عوامل جاذبه و دافعه، جریان متقابل و ویژگی‌های مکانی و فضایی محل سکونت از عوامل مهم در مهاجرت تلقی شدند. با وجود این در چارچوب نظری قوانین حاکم بر علل مهاجرت‌های روستا-شهری در قرن نوزدهم، نظریه‌پردازانی چون دورکیم^۲ و مندراس^۳ از دیگران برجسته‌ترند. دورکیم افزایش جمعیت را مهمترین دلیل مهاجرت می‌داند و معتقد است که از قرن هفدهم به بعد پدیده مهاجرت به طور رسمی آغاز می‌شود، یعنی زمانی که جمعیت رو به تزاید می‌گذارد، و بحث تقسیم کار در جوامع به شکل علمی مطرح می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۸۱).

در قرن گذشته هیچ کشوری نبوده است که به درآمد بالای متوسط رسیده باشد، بدون اینکه یک انتقال قابل توجه در جمعیت به سوی شهرها وجود نداشته باشد (Annez & Buckley, 2009). در پنجاه سال گذشته، رشد شهرنشینی افزایش سریع‌تری نسبت به دهه‌های دورتر داشته است. همچنین رشد شهرنشینی در آسیا نسبت به سایر نقاط جهان بیشتر بوده است؛ یعنی جایی که رشد شهرنشینی و صنعتی شدن در یک زمان، یعنی دهه هفتاد میلادی اتفاق افتاده است (Abukawsar, 2012). از میان مطالعاتی که در زمینه شهرنشینی صورت پذیرفته است، برخی از این مطالعات، از جمله مطالعات

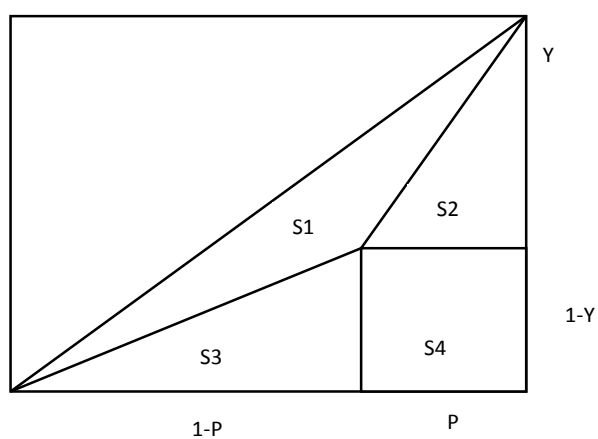
1. Ravenstien
2. Dorkim
3. Mendras

رابینسون^۱، گلوم^۲، راج^۳ و آناند^۴، در زمینه اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد بوده است (Qin & Zhou, 2009). بر اساس نظریه‌های موجود، می‌توان سه فرض زیر را مد نظر قرار داد:

(۱) اقتصاد به دو بخش شهری و روستایی تقسیم می‌شود.

(۲) اگر کل جمعیت کشور را N در نظر گرفت و جمعیت مناطق شهری را N_u و جمعیت مناطق روستایی را N_r ، آنگاه $N_u + N_r = N$ حاصل می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت سهم مناطق روستایی از کل جمعیت $P = N_r / N$ بوده و سهم مناطق شهری از کل جمعیت $1 - P = N_u / N$ است.

(۳) متوسط درآمد مناطق روستایی برابر با یک و متوسط درآمد مناطق شهری X در نظر گرفته می‌شود. اگر سهم مناطق شهری از درآمد کل، Y باشد، بنابراین $Y = (X \cdot N_u) / ((X \cdot N_u) + N_r)$ و اگر طرفین را بر N تقسیم نمود، آنگاه $(1 - P) = Y / X$ حاصل می‌شود و سهم مناطق روستایی از درآمد کل برابر $1 - Y$ می‌گردد.



شکل ۱: منحنی لورنز بر اساس فرض مطرح شده

$$S_1 = 0.5 - S_2 - S_3 - S_4, S_2 = 0.5 \times P \times Y, S_3 = 0.5(1 - Y)(1 - P), S_4 = (1 - Y)P \quad (2)$$

از آنجایی که $G \geq 0$ و $X > 1$ است، لذا عبارات زیر حاصل می‌گردد:

$$G = 2 \times S_1 \quad (3)$$

$$G = Y - P \quad (4)$$

1. Robinson, 1976
 2. Glomm, 1992
 3. Rauch, 1993
 4. Annand, 1993

بنابراین ملاحظه می‌شود که ضریب جینی تابعی از نسبت شهرنشینی است.

$$G = F(1-P) \quad (5)$$

اگر منحنی لورنز به شکل غیرخطی رسم شود، آنگاه Y تابعی غیرخطی از P و $Y-1$ تابعی غیرخطی از $1-P$ خواهد بود. از این رو ضریب جینی نیز تابعی غیرخطی از $1-P$ است. در زمینه ارتباط غیرخطی نابرابری و نرخ شهرنشینی می‌توان نکاتی را عنوان نمود. بر اثر مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری، تحت شرایطی که صنایع موجود در نقاط شهری، توانایی جذب تمام افراد حاضر به کار را نداشته باشند، بی‌کاری در نقاط شهری که یکی از عوامل ایجاد فقر و نابرابری است، افزایش پیدا می‌کند، اما باید عنوان نمود که در مقطعی از زمان که صنایع در مناطق شهری شکل می‌گیرند، یکی از عوامل رشد این صنایع، وجود نیروی کار فراوان است، به خصوص زمانی که فناوری موجود در این صنایع به شکلی باشد که این صنایع، صنایعی کاربر باشند. تحت این شرایط، مهاجرت از روستا به شهر می‌تواند عامل مهمی در رشد اقتصادی بوده و تغییراتی در توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی صورت پذیرد. از این رو انتظار بر این است که در مقطعی از زمان که صنایع در حال شکل‌گیری است و نیاز به نیروی کار وجود دارد، افزایش شهرنشینی باعث کاهش نابرابری شود، درحالی‌که از یک حد معین به بعد نابرابری افزایش پیدا می‌کند. چرا که از سویی افزایش شهرنشینی موجب شکل‌گیری مشاغل کاذب در شهر شده و از سویی دیگر، کاهش جمعیت روستایی، به خصوص جمعیت جوان روستایی، باعث کاهش سهم تولیدات کشاورزی از تولید ناخالص داخلی شده است.

بر اساس مطالعات نظری و کاربردی انجام شده، بخش کشاورزی و تولیدات روستایی نقش مهمی در نحوه توزیع درآمد دارند؛ به شکلی که ضریب جینی به‌دست آمده مربوط به مشاغل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی نیز این فرضیه که درآمدهای به‌دست آمده از بخش کشاورزی به شکل مناسب‌تری میان طبقات مختلف درآمدی توزیع می‌شود را مورد تأیید قرار می‌دهد (صادقی و مهرگان، ۱۳۷۹). از این رو یکی از مهمترین عوامل مؤثر در تولیدات کشاورزی وجود جمعیت جوان فعال در این بخش است، لذا مهاجرت از روستا به شهر که اغلب در میان جمعیت جوان روستایی صورت می‌پذیرد، عاملی برای کاهش تولیدات روستایی است. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان عنوان نمود که رابطه شهرنشینی و توزیع درآمد، الزاماً رابطه‌ای خطی نیست (Abukawsar, 2012).

پیشینه پژوهش

ربانی و همکاران (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی- فرهنگی آن»، با استفاده از ابزار پرسشنامه نشان دادند که مهاجرت و توسعه شهرنشینی و ایجاد کلان شهرها، سبب افزایش سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای در شهرها و افزایش نابرابری‌های اقتصادی شده است. صمدی (۱۳۷۸) در رسالهٔ دکتری خود با عنوان «کاهش فقر، کارآیی و برابری در ایران» با استفاده از تخمین مدل‌های رگرسیونی مختلف نتیجه گرفت که رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد (با جهت‌گیری علی دوطرفه) حرکتی هم‌جهت دارد. از نظر او، فرضیهٔ توزیع درآمد در ایران تأیید نمی‌شود، چرا که اصولاً شرایط لازم رشد برای آزمودن این فرضیه در دوره مورد مطالعه فراهم نشده است.

صمدی (۱۳۸۱) طی مقاله‌ای به شناسایی مهمترین منابع افزایش‌دهنده نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران پرداخته و از معیار ضریب جینی از طریق عوامل درآمدی پیشنهادی یائو^۱ و اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ از مناطق شهری و روستایی استفاده کرده و نتیجه گرفته است که نابرابری توزیع درآمد در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ بهبود پیدا کرده، ولی دلایل آن در مناطق شهری و روستایی متفاوت بوده است. محقق پیشنهاد نموده است که در سیاست‌های فقرزدایی به عوامل کاهش‌دهنده میزان نابرابری به تفکیک مناطق شهری و روستایی توجه شود.

Qin & Zhou (2009)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «شهرنشینی و نابرابری درآمدی برای ساکنین چین: آزمون نظریه U معکوس کوزنتس» برای سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۷۸ به قیمت ثابت ۱۹۷۸ و داده‌ها به صورت پانل انجام شد. در این بررسی از ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری استفاده شد و متغیرهای مستقل عبارت بودند: سرانه تولید ناخالص داخلی، سهم شهرنشینی از جمعیت، نسبت درآمد قابل تصرف از ساکنان شهری و درآمد خالص از ساکنان روستایی و متغیر کنترل. متغیر کنترل برای سال‌های قبل از اصلاحات در چین (۱۹۸۳-۱۹۷۸) یک و بعد از اصلاحات (۱۹۸۴ به بعد) صفر در نظر گرفته شد. نتایج نشان می‌داد که علاوه بر تایید فرضیه U معکوس کوزنتس، با افزایش شهرنشینی توزیع درآمد بدتر شده و نابرابری افزایش پیدا کرده است.

Massimiliano (2008)، مطالعه‌ای را تحت عنوان «شهرنشینی، نابرابری و رشد اقتصادی» برای کشور هند با استفاده از داده‌های ۲۰۰۱-۱۹۵۱ انجام داد. در این مطالعه بر روند شهرنشینی در هند از سه جنبه پرداخته شد: ۱- نابرابری شهری و روستایی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی؛ ۲- ارتباط

بین شهرنشینی و رشد اقتصادی؛ ۳- فرضیه هم‌گرایی در رشد شهرستان‌ها. نتایج این پژوهش نشان داد که اولاً فرضیه U معکوس کوزنتس تأیید می‌شود، ثانیاً سطح شهرنشینی و توسعه اقتصادی به طور نسبتاً قوی با هم در ارتباط هستند و این ارتباط منفی است و گرایش به سمت هم‌گرایی در میزان رشد در میان شهرهای هند وجود دارد. Blank & Blinder (1986)، در بررسی آثار شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد و فقر در ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیدند که بیکاری اثر افزایشی، و تورم اثر کاهش‌ی بر توزیع درآمد به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای درجه تراکم جمعیت شهر، سرمایه‌گذاری دولت، میزان بی‌سوادی، نرخ شهرنشینی و جمعیت مهاجر به‌عنوان متغیرهای مستقل دارد. نتایج این تحقیق نشان داد که شهرنشینی تأثیر قابل توجهی روی شکاف درآمدی روستایی- شهری دارد.

روش پژوهش

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی ارایه شده، مدل زیر به‌منظور بررسی اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد مورد استفاده قرار گرفت. همچنین شاخص‌های بسیاری برای سنجش چگونگی توزیع درآمد وجود دارد که در این بین ضریب جینی به‌عنوان یکی از معتبرترین و پرکاربردترین شاخص‌ها به حساب می‌آید. از این رو در این تحقیق از شاخص ضریب جینی به‌عنوان معیار چگونگی توزیع درآمد و متغیر وابسته استفاده شد.

$$G = G(\text{IN}, \text{GDP}, \text{GDP}^2, \text{UR}, \text{UR}^2, \text{ED}) \quad (6)$$

G: ضریب جینی؛

IN: نرخ تورم بر اساس شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی شهری؛

GDP: تولید ناخالص داخلی؛

GDP²: مربع تولید ناخالص داخلی؛

UR: نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت؛

UR²: مربع نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت؛

ED: نرخ باسوادی.

در این مطالعه بر اساس داده‌های سالانه منتشر شده توسط مرکز آمار ایران برای سال‌های ۱۳۵۱ الی ۱۳۸۹، فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفت. همچنین برای بررسی مناسب‌تر نظریه کوزنتس و اثر نسبت شهرنشینی بر توزیع درآمد در کشور، سه مدل برآورد شد که در مدل اول فقط اثر دو متغیر

تولید ناخالص داخلی و مربع تولید ناخالص داخلی بر روی ضریب جینی بررسی می‌شود. در مدل دوم اثر دو متغیر نسبت شهرنشینی و مربع نسبت شهرنشینی به آزمون گذاشته و در نهایت در مدل سوم همه متغیرها در مدل آورده شد و اثر همگی آنها مورد بررسی قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برآورد مدل و نتایج

بدیهی است که قبل از برآورد مدل ابتدا باید مانایی تمامی متغیرها بررسی شود. برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون فیلیپس-پرون به شکل عرض از مبدأ و روند استفاده شده که شرح آن در جدول ۱ آمده است، استفاده شد.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد

متغیرها	I(۰)	I(۱)
G	-۱/۲۷	-۶/۳۵*
IN	-۳/۶۷*	-
GDP	۲/۱۳	-۳/۱۸*
GDP ²	۵/۵۲	-۲/۱*
UR	-۰/۴۶	-۵**
UR ²	۲/۰۱	-۴/۹۳*
ED	-۳/۱۴*	-

*: نشانگر مانایی در سطح احتمال ۹۵ درصد است. **: نشانگر مانایی در سطح احتمال ۹۲ درصد است.

همان‌طور که در جدول مشخص شده است، متغیرهای نرخ تورم و نرخ باسوادی بدون ریشه واحد و سایر متغیرهای موجود در مدل دارای یک ریشه واحد هستند. برای بررسی هم‌انباشتگی مدل، از آزمون هم‌انباشتگی جوهرانسن^۱ و به‌منظور تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشتگی از کمیت‌های آماره آزمون تریس^۲ و حداکثر مقدار ویژه^۳ استفاده شد. فرض صفر در هر دو آزمون، عدم وجود هم‌انباشتگی است. نتایج این آزمون در جدول ۲ گزارش شده است که بر مبنای هر دو آماره، وجود حداکثر دو بردار هم‌انباشتگی تأیید می‌شود.

1. Johansen Cointegration Test
2. Trace
3. Maximum Eigenvalue

جدول ۲: نتایج آزمون هم‌انباشتگی جوهانسن

نوع آزمون	مقادیر ویژه	آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد	احتمال	نتیجه
تریس	۰/۷۲	۹۸/۵	۶۹/۸۱	۰/۰۰	رد فرض صفر
تریس	۰/۶۳	۵۹/۴۴	۴۷/۸۵	۰/۰۰	رد فرض صفر
تریس	۰/۴۴	۲۸/۸۱	۲۹/۸	۰/۰۶	عدم رد فرض صفر
حداکثر مقدار ویژه	۰/۷۲	۳۹/۰۵	۳۳/۸۷	۰/۰۱	رد فرض صفر
حداکثر مقدار ویژه	۰/۶۳	۳۰/۶۳	۲۷/۵۸	۰/۰۲	رد فرض صفر
حداکثر مقدار ویژه	۰/۴۴	۱۷/۷۸	۲۱/۱۳	۰/۱۳	عدم رد فرض صفر

همان‌طور که مشخص است حداکثر دو بردار هم‌انباشتگی وجود دارد. از این رو، فرض صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی رد می‌شود. در این مطالعه، تخمین هر سه مدل به روش حداقل مربعات معمولی انجام شده و برای از بین بردن مسئله هم‌زمانی که یکی از عوامل ایجاد هم‌خطی بین متغیرها است، از متغیر روند که با T نشان داده شده است، استفاده شد. همچنین برای بی‌اثر شدن شوک ناشی از دوران جنگ، از متغیر دامی برای این سال‌ها استفاده شد. در مدل اول که نتایج آن در جدول ۳ آمده است، نشان می‌دهد که اثر هر دو متغیر تولید ناخالص داخلی و مربع تولید ناخالص داخلی، هر دو در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است، به شکلی که ضریب تولید ناخالص داخلی مثبت و ضریب مربع تولید ناخالص داخلی علامت منفی دارد که این امر بیانگر تأیید نظریه کوزنتس است.

جدول ۳: برآورد مدل اول

متغیرها	ضریب	آماره آزمون
C	۰/۳	۹/۰۹
GDP	۰۰۶e - ۱/۲	۵/۱۲
GDP ²	۰۱۲e - ۱/۲۷	-۴/۲۷
T	۰۰۵ -	-۹/۴۲
DUM	۰۰۲ -	-۳/۴۵
D. W = ۱/۸۷		R ² = ۰/۷۸
		R ² = ۰/۷۶

برای بررسی نقض فرضیه‌های کلاسیک، از آزمون‌های بریوش‌گادفری برای آزمون خود همبستگی و از آزمون گلجسر برای آزمون ناهمسانی واریانس استفاده شد.

نتایج حاصل از این دو آزمون در جدول ۴ به نمایش گذاشته شده است. نتایج حاکی از عدم وجود ناهمسانی واریانس و عدم خود همبستگی در مدل حاضر است.

جدول ۴: نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مدل اول

نتیجه	احتمال	آماره آزمون	نوع آزمون
عدم وجود خودهمبستگی	۰/۵	۰/۷	بریوش - گادفری
عدم وجود ناهمسانی واریانس	۰/۴۳	۱/۴۳	گلجسر

در مدل دوم فقط اثر دو متغیر نسبت شهرنشینی و مربع نسبت شهرنشینی بر ضریب جینی بررسی شد. نتایج نشان داد که این مدل دارای ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی است که در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مدل دوم

نتیجه	احتمال	آماره آزمون	نوع آزمون
وجود خود-همبستگی	۰/۰۱	۴/۶۳	بریوش - گادفری
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۹	۶/۰۴	گلجسر

پس از اینکه مشخص شد خود همبستگی و ناهمسانی واریانس وجود دارد، پس از رفع خود همبستگی، تخمین به روش حداقل مربعات تعمیم یافته انجام گرفت.

نتایج به دست آمده در جدول ۶ آمده است. نتایج این برآورد نشان می‌دهد که ضریب شهرنشینی $14/2-$ و ضریب مربع شهرنشینی $3/2$ به دست آمده است که در سطح $0/5$ معنی دار بوده و نشان دهنده این مطلب است که رشد نسبت شهرنشینی ابتدا نابرابری را کاهش داده و پس از یک حد معین موجب افزایش نابرابری می‌شود.

جدول ۶: برآورد مدل دوم

متغیرها	ضریب	آماره آزمون
C	۱/۷	۳/۴۹
UR	-۴/۲۷	-۲/۷۲
UR ²	۳/۵۳	۲/۹۲
T	۰/۰۰۶	۸/۴
DUM	-۰/۰۱	-۱/۰۲
AR(1)	۰/۵۲	۳/۴۹
D. W = ۱/۸۶ R ² = ۰/۷ R ² = ۰/۶۸		

در مدل سوم همه متغیرهای تأثیرگذار بر نابرابری وارد شد. از این رو مدل زیر ارایه گردید:

$$G = \beta_0 + \beta_1 IN + \beta_2 GDP + \beta_3 GDP^2 + \beta_4 UR + \beta_5 UR^2 + \beta_6 ED + \beta_7 T + \beta_8 DUM + \mu_1 (Y)$$

یافته‌های این برآورد در جدول ۷ به نمایش گذاشته شد.

جدول ۷: برآورد مدل سوم

متغیرها	ضریب	آماره آزمون
C	۱/۷۸	۳/۶۴
IN	۰/۰۰۶	۲/۲۱
GDP	۱/۶e-۶۰	۷/۴۹
GDP ²	-۲/۸۵e-۲۱	-۷/۱
UR	-۳/۸۴	-۲/۶۵
UR ²	۲/۱۹	۲/۲۸
ED	-۰/۰۰۶	-۳/۷
T	۰/۱۶	۲/۴۶
DUM	-۰/۰۱	-۲/۲
D. W = ۲/۰۴ R ² = ۰/۸۸ R ² = ۰/۸۵		

تمامی ضرایب در سطح احتمال ۰/۰۵ معنی‌دار است و پس از تخمین مدل، لازم است نقض فرضیه‌های کلاسیک در رابطه با مدل بررسی شود. در این راستا برای بررسی وجود خودهمبستگی مدل از آزمون برونش-گادفری استفاده شده که با مقایسه آماره آزمون با نقاط بحرانی مشخص شد که فرض صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی را نمی‌توان رد کرد.

همچنین برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس، از آزمون گلجسر استفاده شد که با مقایسه آماره آزمون با نقاط بحرانی، مشخص شد که فرض صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس را نمی‌توان رد کرد. نتایج هر دو آزمون در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸: نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مدل سوم

نوع آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
برنوش-گادفری	۰/۹۷	۰/۹	عدم وجود خودهمبستگی
گلجسر	۱/۰۲	۰/۴۳	عدم وجود ناهمسانی واریانس

از ارقام جدول ۸، می‌توان نتیجه گرفت که برآورد مدل صحیح بوده و فرضیه‌های کلاسیک نقض نشده‌اند، بنابراین نتایج حاصل شده از برآورد مدل قابل اتکاء هستند. همان‌گونه که از جدول ۷ مشخص است، متغیرهای نرخ تورم، مربع نسبت شهرنشینی و تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت با ضریب جینی داشته و با افزایش در مقدار این متغیرها، نابرابری افزایش پیدا می‌کند. در مقابل، متغیرهای نرخ باسوادی، مربع تولید ناخالص داخلی و نسبت شهرنشینی با ضریب جینی رابطه منفی دارند، به شکلی که افزایش در مقدار این متغیرها باعث کاهش نابرابری اقتصادی می‌شود. همچنین از آنجایی که نسبت شهرنشینی رابطه منفی و مربع نسبت شهرنشینی رابطه مثبت با ضریب جینی دارند، با افزایش نرخ شهرنشینی، ابتدا نابرابری کاهش یافته و پس از یک حد معین، نابرابری افزایش می‌یابد. در رابطه با نظریه کوزنتس نیز باید گفت که از نتایج برآورد چنین بر می‌آید که رابطه تولید ناخالص داخلی و نابرابری اقتصادی به شکل U وارون است که این مسئله نظریه کوزنتس را مورد تأیید قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

هر چند فاصله طبقاتی از پیدایش اولین جوامع انسانی به دلایل گوناگون وجود داشته، اما

بی‌تردید مسئله توزیع درآمد و عدالت اقتصادی در گذشته به اندازه زمان حاضر در بعد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار نبوده است. از طرفی بر اساس نظریه‌های موجود و مطالعات انجام شده در رابطه با آثار نامطلوب افزایش نابرابری اقتصادی در بعد اقتصادی و اجتماعی، توجه بیش از پیش به این مهم، ضروری به نظر می‌رسد؛ هر چند که باید اشاره شود که در مراحل از رشد و توسعه اقتصادی، نابرابری اقتصادی و محدود شدن سهم بزرگی از ثروت جامعه به اقلیت خاص، باعث انباشت سرمایه شده و موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد، اما نباید از آثار زیان‌بار آن غافل ماند.

امروزه تمامی دولت‌ها به پیامدهای نامطلوب افزایش نابرابری اقتصادی و فاصله طبقاتی از منظر اقتصادی، در بعد اجتماعی و اقتصادی آن پی برده‌اند و کاهش نابرابری اقتصادی در جامعه یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها بیان شده است. نکته حایز اهمیت این است که چه عواملی باعث افزایش و یا کاهش نابرابری اقتصادی می‌شود. بر اساس نظریه‌ها و مطالعات اقتصادی، عوامل بسیاری همچون نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ باسواد، درآمد مالیاتی دولت، رشد اقتصادی، نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت و بسیاری از عوامل دیگر بر توزیع درآمد تأثیرگذار هستند. در مطالعه حاضر به دلیل رشد روز افزون مهاجرت از روستاها به شهرهای کشور و همچنین اهمیت موضوع نابرابری اقتصادی، به بررسی اثر مهاجرت از روستاها به شهرها و در نتیجه رشد درصد شهرنشینی و کاهش درصد جمعیت روستایی بر توزیع درآمد در کشور پرداخته شد.

یافته‌های پژوهش، مطالعات انجام شده در مورد اثرات متغیرهای موجود در مدل‌های مورد بررسی در این مطالعه را مورد تأیید قرار می‌داد. همچنین این مطالعه نظریه U وارونه کوزنتس را مورد تأیید قرار می‌داد، به شکلی که ابتدا با افزایش تولید ناخالص داخلی، ابتدا نابرابری افزایش یافته، سپس باعث کاهش نابرابری می‌شود.

همچنین مطالعه حاضر نشان داد که رابطه نسبت شهرنشینی به عنوان مهم‌ترین متغیر مورد بررسی و نابرابری اقتصادی، یک رابطه غیرخطی است، به شکلی که با افزایش نسبت شهرنشینی، نابرابری کاهش و بعد از یک حد معین نابرابری افزایش پیدا می‌کند.

مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر که به دلایل گوناگون صورت می‌پذیرد، تحت شرایطی که صنایع موجود در نقاط شهری، کشش جذب تمام افراد حاضر به کار را نداشته باشد، بی‌کاری در نقاط شهری که یکی از عوامل ایجاد فقر و نابرابری است، افزایش پیدا می‌کند و این مسئله منجر به ایجاد مشاغل کاذب در نقاط شهری می‌شود. نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشور، سبب هجوم گسترده به

شهرها، پیدایش بخش خدمات متورم، بیکاری پنهان، معضل مسکن، مسایل زیست‌محیطی، گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مناطق حاشیه‌نشین شده که از عوامل مهم در افزایش نابرابری به شمار می‌آیند. از این رو انتظار بر این است که تحت این شرایط رابطه شهرنشینی و توزیع درآمد به شکل U باشد که مطالعه حاضر این فرضیه را نیز مورد تأیید قرار می‌دهد.

منابع

الف) فارسی

- ارسلان‌بند، محمدرضا. (۱۳۸۳). تغییرات توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، جلد ۱۲، شماره ۴۵، صفحات ۱۶۳-۱۴۱.
- حسامیان، فرح. (۱۳۷۵). شهرنشینی در ایران. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات آگاه. صفحه ۲۳.
- حسینی، سیده‌مریم و نجفی، سیدعباس. (۱۳۸۸). توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران (۱۳۶۳-۱۳۸۶). *مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد اول، شماره ۳، صفحات ۱۶۵-۱۴۷.
- دهمرد، نظر، صفدری، مهدی و تاش، شهیکی. (۱۳۸۹). تاثیر شاخص‌های کلان بر توزیع درآمد در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۶). *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، جلد ۱۴، شماره ۵۴، صفحات ۲۵-۵۵.
- ربانی، رسول، کلانتری، صمد و باوری، نفیسه. (۱۳۸۳). پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی- فرهنگی آن. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد ۱۵، شماره دوم، صفحات ۱۵۴-۱۱۹.
- سلیمی‌فر، مصطفی. (۱۳۷۸). روند تغییرات نابرابری‌های شهری، روستایی در ایران طی دوره‌های ۱۳۷۵-۱۳۴۵. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، جلد ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳، صفحات ۱۸۵-۱۷۳.
- صادقی، حسین و مهرگان، نادر. (۱۳۷۹). رشد اقتصادی در بخش کشاورزی و توزیع درآمد. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، جلد ۸، شماره ۳۱، صفحات ۷۷-۶۵.
- صادقی، رسول. (۱۳۸۸). جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها. یافته‌های تحقیقات کاربردی پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. صفحه ۶.
- صمدی، علی‌حسین. (۱۳۸۱). شناسایی مهمترین منابع افزایش‌دهنده نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران: تجزیه ضریب جینی (۱۳۷۵، ۱۳۷۰). *مجله برنامه و بودجه*، جلد ۷، شماره ۷۴، صفحات ۷۱-۵۸.
- صمدی، سعید. (۱۳۷۸). کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران. پایان‌نامه دکتری رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد،

دانشگاه تهران. صفحات ۶۲-۶۳.

طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۱). بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا- شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین. *مجله مدرس*، جلد ۲۵، شماره ۲، صفحات ۴۱-۶۰.

گیلیس، ترکنز و رومر، اسنورگراس. (۱۳۷۹). *اقتصاد توسعه*. ترجمه غلام‌رضا آزادارمکی. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات نی. صفحه ۳۳.

محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۹). مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آن، مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان شهر گرگان. *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، جلد ۲، شماره ۴، صفحات ۱۳۳-۱۵۲.

مهرگان، نادر، موسایی، میثم و کیهانی‌حکمت، رضا. (۱۳۸۷). رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، جلد ۷، شماره ۲۸، صفحات ۵۷-۷۷.

ب) لاتین

Abukawsar, M. (2012). Urbanization, economic development and inequality. *Bangladesh Research Publications Journal*, 6(4), 440-448.

Annez, P. C., & Buckley, R. M. (2009). *Urbanization and growth*. commission on Growth and Development, World Bank. 455p.

Atkinson, A. B. (1970). On the measurement of inequality. *Journal of Economic Theory*, 2(3), 245-257.

Blank, R., & Blinder, A. (1986). *Macroeconomics, income distribution, and poverty, fighting poverty: What works and what does not*. Cambridge: Harvard University Press. 174p.

Chmpernown, D. G. (1974). A comparison of measures of inequality of income distribution. *The Economic Journal*, 4(84), 787-816.

Dwyer, D. C. (1978). *City in the third world*. London: Macmillan. 260p.

Massimiliano, C. (2008). *Urbanization, inequality and economic growth: Evidence from Indian states and towns*. Background note for the World Development Report 2009, World Bank. 476p.

Qin, Y., & Zhou, Y. (2009). Urbanization and income inequality of China's total residents: The test of Kuznets's inverted-U Hypothesis. *Journal of Business and Policy Research*, 4(1), 99-110.

Saintpaul, G., & Verdier, T. (1996). Inequality, redistribution and growth: A challenge to the conventional political economy approach. *European Economic Review*, 40(5), 719-728.

Takahiro, A., & Sachiko, M. (2007). *Urbanization, educational expansion and expenditures inequality in Indonesia in 1996, 1999 and 2002*. International food policy research institute. 1140p.